



سفر بن سلمان به ۳ کشور و اهداف خطرناکی که علیه ایران دنبال می‌کند

سفر ولیعهد عربستان به چند کشور آسیایی نگاه تحلیلگران و ناظران امور را درباره اهداف آن به ویژه با توجه به شرایط حساس منطقه‌ای و بین المللی به خود مشغول کرده است.

سفر ولیعهد عربستان به چند کشور آسیایی نگاه تحلیلگران و ناظران امور را درباره اهداف آن به ویژه با توجه به شرایط حساس منطقه ای و بین المللی به خود مشغول کرده است.

خبرگزاری مهر-گروه بین الملل: سفر محمد بن سلمان به کشورهای آسیایی در حالی به دو کشور انجام شده و در کشور سوم در حال انجام است که ولیعهد سعودی هنوز از برزخ مربوط به قتل جمال خاشقجی روزنامه نگار و منتقد سعودی رها نشده است.

العهد در مطلبی در این زمینه آورده است: « سفر آسیایی محمد بن سلمان ولیعهد عربستان با حوادث و تحولات خاصی همراه بود از انفجارهایی که همزمان با آن رخ داد تا تاخیر در سفر و لغو برخی دیگر از سفرها که قرار بود به کشورهای دیگر انجام شود. معمولاً هر سفری دوره ای دارای اهداف و استراتژی های خاصی است و اگر ائتلاف بندی یا استراتژی به دنبال نداشته باشد؛ حداقل پیامهایی به دنبال دارد. سفر دوره ای محمد بن سلمان فاقد استراتژی از حیث شکل و مضمون است اما خالی از پیامها نیست

سفر دوره ای محمد بن سلمان فاقد استراتژی از حیث شکل و مضمون است اما خالی از پیامها نیست . قبل از اینکه درباره نبود این استراتژی توضیح بدهیم توجه به برخی تحولات و زوایا ضروری است؛

سفر ولیعهد عربستان قرار بود که در ۱۶ فوریه انجام شود و دو روز قبل از آن دو انفجار رخ داد که انگشت اتهام در هر دو انفجار به سوی پاکستان نشانه می رود. در انفجار نخست در ۱۳ فوریه حمله انتحاری در سیستم و بلوچستان ایران رخ داد که انگشت اتهام به سوی نیروهای امنیتی پاکستان و حمایت آنها از گروه تروریستی جیش الظلم که مسئولیت عملیات را برعهده گرفت، نشانه رفت. در روز دوم حمله انتحاری به کشمیر رخ داد که بازهم انگشت اتهام از سوی هندی ها به پاکستان و به ویژه دستگاه اطلاعاتی آن نشانه رفت.

آنچه قابل ملاحظه است دو انفجار ویژه که شمار زیادی قربانی داشت و این موضوعی کم سابقه و آن هم همزمان با سفر ولیعهد سعودی به پاکستان است که ذهن تحلیلگران و ناظران امور را به خود مشغول کرده است.

به سفر محمد بن سلمان از حیث شکل بازمی گردیم که با نکاتی همراه است؛

اولاً، تعویق سفر به مدت یکروز آن هم بدون علت که این از حیث دیپلماتیک موضوعی شاذ و بی برنامه است و گواه بر آشفتگی جدول سفر که معمولاً باید محکم و مشخص و با اهداف خاص باشد تا روز و حتی ساعت سفر هم مشخص باشد، است و به نظر می رسد که فقط هدف، انجام سفر بوده است.

ثانیاً، اینکه رسانه های پاکستانی اعلام کرده اند که ریاض هزینه سفر را به طور کامل پرداخته است از مایحتاجات و لوازم شخصی برای اقامت محمد بن سلمان گرفته تا ۳۵۰۰ کیبوتری که از بازارهای محلی خریداری شده بود تا در مراسم استقبال از ولیعهد عربستان به آسمان پَر داده شوند.

ثالثاً، لغو سفر بن سلمان به مالزی و اندونزی آنهم بدون دلیل به گونه ای که مهاتیر محمد در پاسخ به رسانه ها گفت که علت را نمی داند و تنها چیزی که می داند این است که سفر لغو شده است. این گواه بر نبود برنامه سفر است.

اما از حیث موضوع نیز بررسی چند نکته ضروری است؛

اولاً؛ هر سفری هدفی دارد و بر اساس ایجاد ائتلاف یا تحکیم ائتلاف یا اطمینان بخشی به همپیمان است؛ اما هدف سفر ولیعهد عربستان چه بوده است؟ آیا پیام میانجی گری و آتش بس میان هند و پاکستان بوده است یا بحران هدفمند و عمدی؟

در ثانی، اینکه از قراردادهای و حمایت از اقتصاد و نیز سرمایه گذاری خبر داده شده است، موضوع جدیدی نیست که در بند تحلیل راهبردی محسوب شود و آن را می توان در مقوله تحلیل اقتصادی و مالی برشمرد.

ثالثاً، موضوع قابل توجه دیدار با «قمر جاوید» رئیس ستاد ارتش پاکستان است که در عرف پاکستان به مثابه حاکم فعلی محسوب می شود. تحلیلگران و ناظران امور بر این باورند که ارتش پاکستان همه کاره است.

ذکر دو نقطه قابل توجه در سفر ولیعهد عربستان به پاکستان قابل توجه است؛

۱- برنامه هسته ای پاکستان و بلندپروازی های هسته ای سعودی ها

۲- گروه های تروریستی که ارتش برای برخی از آنها پوشش سیاسی لازم را فراهم می آورد به گونه ای که به برخی از آنها اجازه رقابت در انتخابات برای خاموش کردن صدای مخالفان را می دهد.

اما درباره سناریوهای سفر محمد بن سلمان به کشورهای آسیایی می تواند به دو سناریو اشاره کرد؛ نخست اینکه ما در برابر سفری بدون هدف و برنامه و ظاهری برای شکستن انزوا و بن بست که سعودی ها به ویژه ولیعهد عربستان به دنبال کشته شدن جمال خاشقجی به آن گرفتار شده است، قرار داریم. ولیعهد عربستان که نمی تواند به غرب برود پس شرق را مورد توجه قرار داده است تا مشکلاتی که با آن روبرو است را حل کند.

بن سلمان با این سفر قصد دارد این پیام را به محافل آمریکایی برساند که از همکاری هسته ای با پاکستان و چین و سرمایه گذاری در شرق در صورتی که آمریکایی ها از وی دست بردارند ابایی ندارد.

ولیعهد سعودی با سفر به کشورهای آسیایی به دنبال بهبود وجهه و شرایط عربستان با توجه به صعود و مطرح شدن قطری هاست و به نوعی می کوشد که در رقابت با قطری ها شرایط ریاض را بهبود بخشد.

اما سناریوی دوم این است که ما در برابر حرکت هماهنگ شده با آمریکا قرار داریم که بن سلمان به نیابت از آمریکا راستای حمایت از تروریسم و گشودن جبهه پاکستانی-ایرانی حرکت می کند تا ایران را هدف قرار دهد و آنرا گرفتار مشکلات کند و همچنین به دنبال تاثیر گذاری بر تعاملات نفتی تهران با دهلی نو است».

آنچه به طور خلاصه درباره سفر محمد بن سلمان به کشورهای پاکستان، هند و چین می توان گفت عبارت است از؛

-گسترش مبادلات تجاری در تقابل با ایران. هند یکی از خریداران اصلی نفت ایران و پاکستان خریدار گاز ایران است. عربستان قصد دارد که صادرات نفت به این سه کشور (هند، پاکستان و چین) آسیایی را گسترش دهد و نفت خود را جایگزین نفت ایران کند که امکان صادرات آن به دلیل تحریم های آمریکا محدود شده است. بن سلمان قصد دارد که با دادن امتیاز و تضمین های نفتی به نیابت از آمریکایی ها فشارهای اقتصادی بر ایران را تشدید کند اما اینکه آیا این کشورها به ویژه هند و پاکستان در راستای اجرای اهداف مورد نظر ریاض حرکت خواهند یا خیر پرسشی است که جواب آنرا گذشت ایام مشخص می کند.

-ترمیم وجهه سیاسی و خروج از انزوا و بن بست که پس از قتل جمال خاشقجی به شدت آسیب دیده است به ویژه که بسیاری از کشورها از پذیرش وی بیم دارند که از جمله آن مالزی و اندونزی است. به عبارت دیگر بن سلمان قصد دارد که با دلارهای سعودی از تنگنا خارج شود و این در حالی است که هنوز مشخص نیست وعده های بن سلمان وعده سرخرمن است یا محقق می شود.

-ارسال این پیام به غرب و آمریکا مبنی بر اینکه شرق و بازارهای آن برای عربستان هم مورد توجه است و غرب به تنهایی مورد توجه نیست و به عبارت دیگر سعودی ها به دنبال ایجاد توازن هستند.

-رقابت پنهان با قطری ها به ویژه که روابط سعودی ها و قطری ها قطع است و ریاض به دنبال چنگ انداختن بر بازارهای آسیایی در رقابت با دوحه است.

-نقش موثر اقتصاد در روابط بین الملل. استقبال نخست وزیران پاکستان و هند از بن سلمان و تمجید مقامات این دو کشور از ولیعهد سعودی به خوبی تاثیرات اقتصاد در روابط میان کشورها را آشکار می کند و اینکه چگونه سیاست متاثر و

تحت الشعاع اقتصاد است.